

## بررسی معماری شهرهای ایران در دوره قاجار بر پایه سفرنامه ها

مهرنوش کاوسی

کارشناس ارشد توسعه و برنامه ریزی mehrrnoosh1478@yahoo.com

### چکیده

دوره قاجار به دلیل آغاز مرحله جدید از رابطه با غرب و جهان خارج و بسط حوزه نفوذ قدرت‌های اروپایی به محدوده منافع و جغرافیای سیاسی ایران اهمیت فراوانی دارد. این دوره، بیشترین حضور سیاحان و جهانگردان را داشته و با ثبت خاطرات و مشاهدات آنها از جامعه ایرانی منابع و اطلاعات دسته اولی از ساختار و معماری شهری ایران، به دست آمده است. توسعه شهری قدرت محور، تابعی از شاهان حاکم و سال‌های مرکز بودن شهرها است. اساس شهر بر محور قصر و در اطراف آن بازار و در کنار آن مسجد و مدرسه و کاروان‌سرا می‌باشد. معماری درون‌گرایی و درون‌خانه‌ها زیباتر و مجلل‌تر است.

**کلیدواژه:** معماری شهری، پایتخت، سفرنامه، قاجار

### ۱- مقدمه

ایران در کنار تمدن‌های مصری و بین‌النهرین و نیز تمدن هلنی و یونانی، یکی از مراکز عمده و اولیه شهرنشینی بوده است و همچنانکه به وام‌گیری اصول شهرسازی و قوانین و آداب شهرنشینی دست زده، معماری خاص خود و آداب شهرسازی و اصول شهرداری مشهورش را وام داده است. معماری شهری ایران تحت تأثیر و نمایندگی دوران‌های تاریخی خاصی است که تحت عناوینی چون باستان و اسلامی، از سرگذرانده است، چنانکه تحت تقسیماتی چون شهرهای پیش از اسلام و شهرهای دوران اسلامی معرفی می‌شود. در دوران اسلامی، قاجار از لحاظ شهرنشینی ویژگی‌های خاصی دارد. این خاص بودن به دلیل به هم‌رسیدن میراث شهرسازی و شهرنشینی دوران باستان و دوران اسلامی و تلاقی این دو میراث هرچند مختصر و ابتدایی، با اصول و نیازهای شهری دنیای جدید است. جهانگردان و سیاحان اروپایی با ارائه اطلاعات دقیق در سفرنامه‌های خود از شهرها و معماری آنها منبع مناسبی در این پژوهش به شمار می‌آیند. وسعت اطلاعات دریافتی از سفرنامه‌ها، که هم شامل کالبد مادی و معماری و جغرافیای شهری می‌شود و هم روح جامعه و آداب و رسوم آن را دربر می‌گیرد، باعث می‌شود که به شناخت سیمای شهری ایران در این دوره، به شکل خاص‌پرداخته اما به دلیل تعدد شهرهای ذکر شده در سفرنامه‌ها و پراکندگی مطالب در این خصوص، به مراکز و پایتخت‌ها به عنوان شاخص بررسی مورد توجه قرار گیرند.

**۲- تاریخچه شهرنشینی:** شهر و شهرنشینی در ایران براساس شواهد به دست آمده قدمتی طولانی دارد (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۹: ۲۶)، آغاز شهرنشینی در ایران را باید حدود سه هزار سال قبل از میلاد دانست (نظریان، ۱۳۸۸: ۴۹). در یک تقسیم‌بندی شهرنشینی در ایران را می‌تواند دو دوران تاریخی یکی دوران باستان (از آغاز تا اسلام) و دیگر دوران اسلامی (اشرف، ۱۳۵۳: ۷) که تا زمان حاضر بررسی کرد (شیعه، ۱۳۷۸: ۱۸۳) بر طبق گفته سلطان‌زاده، اطلاعات موجود از ابتدای عهد باستان بسیار اندک است. شهرهای مهم عیلامی، مادی و هخامنشی بیشتر جنبه حکومتی، اداری و گاه حکومتی - مذهبی داشتند و تعداد و جمعیت آنها قابل

ملاحظه نبود. در دوره سلوکیان و پارتها تعداد قابل توجهی شهر در نقاط گوناگون کشور، با توجه به مصالح بازرگانی و نظامی، نباشد. این شهر، برعکس دوره‌های پیش استقلال نسبی در امور داخلی و نهادهای مربوطه داشتند. در دوره ساسانیان، شهرهای بسیاری به و سیله پادشاهان، شاهان و حکام پدید آمد و به تدریج در اواخر این دوره، جنب و جوش و حرکت بی سابقه‌ای در شهر ایجاد شد اما برخلاف دوره قبل، استقلال و خود مختاری آنها تحت حکومت متمرکز ساسانیان از بین رفت (سلطان زاده، ۱۳۶۲: مقدمه)

**۳- شهرهای ایران دوران اسلامی:** از پی هم آمدن سلسله‌های مختلف در ایران نه تنها روند شهرسازی را کند نکرد، بلکه هر یک از آنها شهرهایی با ویژگی‌های منحصر به فرد به وجود آوردند، آنچنان که سلسله‌های مت/دختر شهرهایی با عظمت بیشتر بنا کرده‌اند. نکته قابل توجه تأثیر مستقیم ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه در شهرسازی دوره‌های مختلف است. به این معنی که با تغییر طرز فکر و اعتقادات حاکم فرم و شکل شهرها نیز تغییر کرده است. در دوره هخامنشی شکل شهرها براساس جامعه طبقاتی آن دوران بوده است. به همین ترتیب، جریان شهرسازی و تأثیرگذاری ایدئولوژی حاکم بر ساخت شهرها را در دوران اسلامی می‌توان دید. اساس زندگی شهری در دوره اسلامی از شهرنشینی دوره ساسانی مایه گرفته است. با وجود این شهرهای دوره اسلامی ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند که به راحتی می‌شد آنها را از شهرهای پیش از اسلام جدا کرد. به بیان دیگر، می‌توان این گونه قلمداد کرد که شهرهای اسلامی از یک سو، از ادامه یافتن و از سوی دیگر، از دگرگونی زندگی شهری ساسانی پدید آمدند. (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰).

یکی از دلایل رشد شهرنشینی در دوره اسلامی اهمیتی است که اسلام به شهرها می‌دهد. با آغاز دوره اسلامی، نظام اجتماعی تغییر یافت و تحت تأثیر آن نظم سیاسی و اقتصادی جامعه و به دنبال آن ساختار شهری نیز دستخوش تغییرات بسیاری شد. از آنجا که ایدئولوژی اسلامی برای رسیدن به آرمان‌های خود نیاز به شهر و شهرنشینی داشت، بیشترین تغییرات را در نظام شهری می‌توان دید. شهرهای قدیمی تغییر شکل یافته و در وضعیت جدید خود شکل اسلامی به خود گرفتند (نظریان، ۱۳۷۴: ۲۱). شهرهای قدیمی، که به تبع اسلام تغییر کرده بودند، در ساختار جدیدشان رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند. آتشکده‌ها ویران شده و به جای آنها مساجد جامع بنا شدند. تقسیمات شهری دوره ساسانی (کهن دژ، شارسنان و ربض) جای خود را به مراکز دیوانی و نظامی، مذهبی، بازارها و محله شهر، که اغلب خاستگاه قومی، نژادی، قبیله‌ای و مذهبی داشتند، دادند. در مناطق بیرون شهر (ربض)، بازارها و خیابان‌های اصلی از شمال به جنوب و از شرق به غرب شهر کشیده شده بودند (اشرف، ۱۳۵۳: ۲۳). یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های شهر در این دوره، داشتن مسجد جامع بود، البته عکس آن صادق نبود؛ یعنی هر جا که مسجد جامع داشت، شهر محسوب نمی‌شد (همان: ۱۳)

در این دوره، وضع سیاسی (اداری و نظامی)، اقتصادی و اجتماعی شهر همچنان پابرجا ماند و به علت وسعت امپراتوری اسلامی و گسترش بازار مبادلات در قرن‌های سوم و چهارم، شهرنشینی رونق فراوان یافت و سیمای شهرها دگرگون شد. در دوره اسلامی، سازمان‌های دینی نیز در شالوده زندگی شهری اهمیت زیادی یافت و مسجد آدینه یا مسجد جامع از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر شد. در این دوره، شهرها و روستاهای پیرامون آنها در نظام‌های منطقه‌ای به یکدیگر پیوند خوردند و مجموعه هم‌بسته‌ای پدید آوردند. اساس این پیوند همبستگی جدایی ناپذیر صنایع دستی و بازرگانی با فعالیت‌های کشاورزی بود. بدین معنی که تقسیم کار میان شهر و روستا، به آن صورتی که در شهرهای قرون وسطایی اروپا دیده می‌شود، در منطقه‌های شهری شکل نگرفت. در مواردی که هر محله پیرو یکی از مذاهب اسلامی بود، همبستگی هر یک از محله‌های شهر با روستاهای پیرامون، که هم‌مذهب با آن بود، بیش از همبستگی محله‌ها با هم بود. بسیاری از محلات شهر خصوصیات روستایی داشتند و بسیاری از روستاها به تولیدات صنعتی می‌پرداختند. با این همه، شهر و روستا با هم تفاوت‌های پراهمیتی نیز داشتند (همان: ۱۰)

یکی از مهم‌ترین عواملی که اشرف برای تحول و دگرگونی شهرهای ایرانی در اوایل دوره اسلامی مطرح می‌کند، رشد و توسعه سریع بازرگانی و تولیدات صنعتی شهرهاست. او اعتقاد دارد، در قرن‌های سوم و چهارم هجری، با توسعه صنعت و بازرگانی، رفته رفته اهمیت شهرستان کاسته شد و ربض، که جمعیت و کارکرد اقتصادی آن به سرعت بالا می‌رفت، جایگاه مهم‌تری یافت. از نظر او، گسترش زیاد حرفه‌ها و صنایع، داد و ستد و بازارها موجب انتقال سریع‌تر جمعیت به حومه شهر یا ربض بود. اعراب نیز شهرهایی در ایران پایه‌ریزی کردند. بیشتر این شهرها اروادگاه‌های نظامی بودند که در کنار شهرهای قدیمی آن یا هلیوپولیس بنا کردند. گاهی نیز شهرهای تازه‌ساز را دور از سکونت‌گاه‌های قدیمی برپا کردند، مانند حرفه و قیران... گاهی نیز قلعه‌های نظامی گسترش یافته و به

صورت شهرهایی که کارکرد اداری و نظامی داشتند درمی آمدند(همان: ۱۶). برخی نیز شهرهایی بودند که مردم در پیرامون مزار پیشوایان دینی بنا می کردند. شیعه، شهرهای شکل گرفته در قرون اولیه اسلامی را در پنج گروه خلاصه کرده است:

۱- شهرهای نوساز به عنوان مظهر قدرت حکومت اسلامی که اردوگاه نظامی نیز بودند(مانند بغداد)؛ ۲- شهرهایی که بر اثر گسترش حلقه های نظامی توسعه یافت(با رنگ و بوی ایرانی)؛ ۳- ایجاد شهرهای جدید در کنار شهر قدیمی(مثل شیراز)؛ ۴- شهرهای جدید که در کنار مزار بزرگان مذهبی ایجاد شد(مانند قم و کاشان و مراغه)؛ ۵- شهرهایی بر اثر احداث مسجد یا ساختمان جدید و یا انتخاب آن به عنوان دارالاماره رشد کرده یا احیا شد(مثل ری و اصفهان) (شیعه، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

اما اوج شهرنشینی در قرن های سوم و چهارم هجری اتفاق افتاد. اساساً آغاز رونق شهرنشینی در امپراتوری اسلامی را می توان از قرن سوم و چهارم هجری و به نوعی تا قرن ششم هجری دانست که در آن شهرگرایی و شهرنشینی گسترشی بس عظیم یافته و شهرهای بزرگ با جمعیتی حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر و بیشتر بودند؛ حتی جمعیت آنها را به نیم میلیون نفر تخمین زده اند(سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۹۷). رونق بازرگانی در امپراتوری اسلامی از مهم ترین عوامل رشد این شهرها بودند. این شهرها اکثراً در مسیرهای کاروان و ارتباطات بازرگانی قرار داشتند(نظریان، ۱۳۷۴: ۲۲). این رونق و توسعه به حدی بود که شهرهای اسلامی از شهرهای اروپا در قورن وسطی مهم تر و پرجمعیت تر بودند(اشرف، ۱۳۵۳: ۱۶). بازارهای این دوره شلوغ ترین و پررونق ترین در نوع خود بودند. صنایع رشد چشمگیری داشت و تجارت و بازرگانی توسعه بسیار یافته بود. در این دوره، که تقریباً با عصر سلجوقی هم زمان است، کالبد شهر عبارت بود از: یک میدان اصلی با کاخها، دیوانها، مسجد جامع و گاهی بیمارستانی در پیرامون آن. بازار شهر نیز به میدان اصلی با کاخها، دیوانها، مسجد جامع و گاهی بیمارستانی در پیرامون آن، بازار شهر نیز به میدان اصلی باز می شد. محلات شهری، بنا به موقعیت، در کنار قرار گرفته بودند. مدرسه ها و مساجد و حمام و بازارچه ها و ... در جای خود قرار داشتند و هم اینها را دیواری از سنگ دربر گرفته بود(حبیبی، ۱۳۸۷: ۷۷)

بنای مسجد جامع در شهرهای اسلامی همیشه در کنار بازار شهر قرار دارد. بازار قلب اقتصادی شهر بوده و نه تنها محل خرید و فروش کالا، بلکه محل پیشه وری های مختلف نیز هست. در بازار شهرهای اسلامی، معمولاً هر راسته به یک نوع فعالیت اختصاص دارد. در کمربند بیرونی بازار، معمولاً قسمت مسکونی شهر قرار دارد. هر گروه اجتماعی - اقتصادی، براساس مذاهب، مشاغل، نژاد، زبان، قومیت و حتی گروه های اجتماعی، برای خود محلات خاصی به وجود آورده اند. در این شهرها، حصار شهر همه این عناصر شهری را، به صورت کمربندی، در خود جای داده و دارای تعدادی دروازه است. قلعه دفاعی شهر نیز به حصار شهر متصل است. در خارج از برج و باروی شهر گورستانها قرار دارند و هر گروه مذهبی گورستان جداگانه ای دارد. بیرون از حصار معمولاً بازارهای روستایی تشکیل می شوند(شفقی، ۱۳۸۴: ۵۵) اما از آنجا که هر فرازی فرودی دارد، روند صعودی توسعه شهرها نیز با حمله مغول فرودی ناخوشایند داشت. مغولها بیابان گرد بودند و شناختی از شهر و شهرنشینی نداشتند، در نتیجه با تمام مظاهر زندگی شهری به مقابله پرداختند. به جز ویران کردن شهرها و کشتار مردم، که خود مهم ترین دلیل رکود شهر و شهرنشینی در این زمان بود، دریافت مالیات های سنگین(تمغا) از پیشه وران و صنعتگران(چه شهری و چه روستایی) نیز به این رکود دامن می زد(اشراف، ۱۳۵۳: ۱۴) البته این بی قانونی و نبود دولت تا یک قرن ادامه یافت و پس از آن، مغولها با گذر زمان تسلیم تمدن برتر شدند. ساخت بناهای باشکوه، مثل امیر چخماق در یزد و میدان حسن پادشاه در تبریز، از زنده بودن سنت های شهرسازی در این دوره خبر می دهد اما هنوز علی رغم همه ایلغارها و ویرانی ها، شهر به عنوان مظهر وحدت سه جامع ایلی، روستایی و شهری نقش خود را بازی می کند و بر این امر باقی می ماند(حبیبی، ۱۳۸۷: ۸۶)

۱-۳- عناصر سازنده شهرهای اسلامی: برای شهرهای اسلامی در قرون اولیه می توان دو پایه اصل در نظر گرفت: مسجد جامع و عمارت اصلی دولتی در کنار آن و بازار. در قرون بعدی، فضاهای دیگری مثل مدرسه و میدان نیز به این دو رکن اصلی افزوده شد(شیعه، ۱۳۸۸: ۱۹۶). البته برخی از کارشناسان در کنار این دو عنصر اصلی؛ یعنی مسجد و بازار، ارگ یا مقر حکومتی را نیز، به عنوان سومین مشخصه اصلی شهر اسلامی، در نظر می گیرند ولی چون بازار و مسجد در طول زمان دست تغییرات بیشتری بودند و تأثیر آنها در توسعه شهرها بسیار بیشتر از ارگ است، در این بخش تنها به این دو مؤلفه پرداخته خواهد شد.

**۱-۳-۱- مسجد:** اولین خصیصه یک شهر اسلامی وجود مسجد جامع می باشد. در شهرهای اولیه اسلامی، آتشکده‌ها را، با افزودن منبر و محراب، به مسجد جامع تبدیل می کردند. در مواردی نیز ممکن بود آتشکده را ویران کرده و به جای آن مسجدی بنا کنند. دلیل این مسئله این بود که مسجد، به لحاظ مکانی، باید همان خصوصیتی را می داشت که یک آتشکده داشت: هم باید در دسترس همه مردم می بود و هم در مرکز توجهات مسجد نیز، در طول زمان، دچار تحولات بسیاری شده است. این تغییر و تحولات، با توجه به دوره‌های تاریخی، به چهار دسته تقسیم می شود: ۱- صدر اسلام: زمانی که مسجد صورتی ساده داشت؛ ۲- زمان حکومت بنی امیه که در آن مسجد و قدرت امپراتوری به هم گره خورده است؛ ۳- دوره عباسیان که در آن مسجد و قدرت سیاسی از هم فاصله می گیرند؛ ۴- از قرن ششم به بعد که با تغییرات و دگرگونی‌های بنیادی در ظاهر و تعداد مساجد همراه است (نظریان، ۱۳۷۴: ۲۳) در دوره دوم و سوم، مساجد مهم‌ترین وجه تمایز شهر از ده هستند و مسجد آدینه یا جامع مشخص کننده شهر در میان انواع دیگر سکونت‌گاه‌های اسلامی به شمار می آید. در دوره چهارم، پدید آمدن دگرگونی‌های بنیادی در شکل و پراکندگی مساجد جلوه‌گر دگرگونی‌های اساسی در اجتماع اسلامی و زندگی شهری است. خلاصه آنکه این دگرگونی‌ها جامعه اسلامی را از روزگار یگانگی نخستین، که در آن دین و دولت یگانه بود، به عبارت دیگر، نوع حکومت دین سالاری بود به دوره‌ای می کشاند که در آن پادشاهی‌های گوناگون در مناطق مختلف پدید می آیند و سارنجام جنبه‌های اجتماعی و دینی اسلام از مور سیاسی جدا می شود. این دگرگونی‌ها در بنیادهای زندگی شهری اثر می گذارد. ملاک تعیین شهر، براساس وجود مسجد آدینه، را بر هم می زند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۳) مسجد باید در جایی قرار می گرفت که در دسترس همه مسلمانان باشد، در نتیجه مساجد جامع در شهرهای سنتی ایران معمولاً در طول بازار و در تقاطع راسته‌های مهم و اصلی قرار می گرفته است. اهمیت مسجد به حدی بود که حتی در بازار، هر صنف برای خود مسجدی می ساخت (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۹۲). با گذر زمان، تعداد مساجد به حدی می رسد که هر محله برای خود مسجدی دارد. این وضعیت رو به رشد همین طور ادامه می یابد تا زمان صفوی که برخی از محلات چند مسجد را در خود جای داده‌اند.

**۱-۳-۲- بازار:** دومین و مهم‌ترین شهر اسلامی بازار است. مهم‌ترین دلیلی که برای گسترش شهرهای اسلامی در قرون اولیه توسعه بازرگانی داخلی و خارجی بود که رابطه تنگاتنگی با بازار داشته است. دولت اسلامی خود یکی از بنیان‌گذاران و تقویت‌کنندگان بازار است. نه بدان علت که به چرخش کالا و سرمایه مردمان تابعه خویش نیاز دارد، بلکه بدان علت که خود صاحب اصلی سرمایه و کالا است (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۸) از دیگر خصوصیات شهرهای اسلامی کارکرد بازرگانی و صنعتی آنهاست که بازارها و چهارسوی بزرگ و کوچک و سراها و کاروان‌سراها محل آن بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۴) بازار شهر معمولاً از بزرگ‌ترین میدان شروع می شد و حلقه اتصال بین دو دروازه شهر بود. مجموعه بازار از دالان‌های موازی و متقاطع تشکیل می شد که به آنها راسته بازار می گفتند. درون بازار، در فاصله‌های مشخص، بنای کاروان‌سرای و وجود داشت تا تجار و بازرگانان در آن بیاسایند. به جز کاروان‌سرا، بناهایی مانند مسجد، مدرسه، حسینیه نیز در مجموعه بازار وجود داشت (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۷۲). درون بازار معمولاً حرفه‌های هم‌صنف در کنار هم و جدا از بقیه اصناف قرار گرفته بودند. یکی از بهترین راسته‌ها متعلق به بزازان و فروشندگان انواع منسوجات بود و راسته بزازان را اغلب شاخصی برای تعیین ثروت، مکنث و رفاه اهالی یک شهر محسوب می داشتند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۴۲۱) البته کارکرد بازار در شهرهای مختلف متفاوت بود. شهر اگر در شاهراه تجاری و در مسیر بازرگانی آنها، نقش بازار و روند توسعه آن تغییر می کرد. در شهرهای متوسط و کوچکی که مبادلات خارجی آنها زیاد نبود بخش قابل ملاحظه‌ای از بازار صرف تأمین نیازهای داخلی شهر و ناحیه پیرامونی می شد. این بازرچه‌ها جنبه خرده‌فروشی داشتند و درصد کمی از فضاهای آن به تجارت خارجی اختصاص داشت، در صورتی که در شهرهای بزرگ، به علت عملکردهای متنوع و توسعه تجارت خارجی و نواحی پیرامونی، عناصری که در خدمت تجارت خارجی بودند به بخش‌های داخلی اضافه می شد. به طور کلی کالبدی بازار برای پاسخگویی به نیازهای جدید همواره در حال تغییر شکل بود و علاوه بر امتداد مسیر راسته اصلی و نفوذ در محله‌ها از طریق راسته‌های فرعی، بخش‌هایی از فضاهای مسکونی اطراف بدنه راسته‌ها را نیز به خود جلب می کرد و آنها را، به صورت تیمچه یا سرا، مورد استفاده قرار می داد. اساساً فضای بازار تنها به داد و ستد و بازرگانی اختصاص نداشت، بلکه به عنوان مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر، حتی برخی از عناصر مهم شهری را در خود جای می داد. بازار، از نظر کارکردهای اقتصادی - اجتماعی، قدرت و دامنه نفوذ وسیعی داشت (نظریان، ۱۳۷۴: ۲۷) در شهرهای سنتی ایران، بازار اهمیت بسیاری داشت. شهر

دوران اسلامی در تحول خویش به دور بازارها تنیده می‌شود و در گسترش خود بازارهای جدید را ایجاد می‌کند. شواهدی بسیار از کرمان و یزد گرفته تا لاهیجان و تبریز، از دزفول و شوشتر گرفته تا مشهد و نیشابور... - وجود دارند که قبل از اینکه محله‌ای ساخته شود و بخشی نو برپا شود، ابتدا بازار و میدان ساخته می‌شدند و سپس مردمان، به گونه‌ای کاملاً آزاد به دور آنها سکنی می‌گرفتند و محله‌ای جدید برپا می‌شد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۷) از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار شهر اسلامی این است که تنها محلی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی محسوب نمی‌شود. ویژگی‌های کارکردی بازار و پیوند با مراکز مهم سه گانه سیاسی، اقتصادی و مذهبی موجب جریان همه فعالیت‌های اجتماعی به سوی بازار می‌شد در هنگام بحران‌های اجتماعی - سیاسی، به خصوص در مقابله با عوامل خارجی، بازار به عنوان سنگر اجتماعی مردم فعال می‌شد (نظریان، ۱۳۷۴: ۲۷) اما شهرهای اسلامی اجزای دیگری نیز داشتند که در طول زمان اهمیت یافته یا از اهمیت آنها کاسته شده است. از دیگر خصیصه‌های شهر دوره اسلامی، وجود محلات در تضاد و تقابل صرف نظر از مکان آنهاست. محلاتی که هر یک مسجد، بازارچه، مدرسه، آب‌انبار، قنات، حمام و .. خاص خود را داشتند و حتی در مواقعی برای خود، علاوه بر دروازه‌ای خاص که به بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌ای نیز برای ورود به محله داشتند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۹)

**۴- شهرنشینی در دوره قاجار:** در این دوره، روابط سیاسی و تجاری ایران با کشورهای اروپایی توسعه بیشتری یافت و سپس رفت و آمد خارجیانیف به خصوص فرانسویان و انگلیسی‌ها، برای گسترش روابط سیاسی و تجاری کشور متبوعشان با ایران شدت گرفت و در نتیجه شهرنشینی با ساختمان‌های سبک جدید توسعه یافت و دوباره احیا شد (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۴۷) در اوایل دوره قاجاریه، تهران به پایتختی انتخاب شد و بناهای عظیم دیگری در شارستان؛ یعنی ارک آن زمان تأسیس شد که امروزه نیز هسته‌های مهم اداری و سیاسی مملکت نظیر وزارت‌خانه‌ها، شهربانی، قورخانه، بازار و مرکز ارتباطات راه دور در این محدوده قرار دارند. این شهر، به سبب موقعیت طبیعی خوب و موقع استراتژیکی، مورد اهمیت قرار گرفت و به پایتختی برگزیده شد؛ زیرا در جهت جنوبی البرز و در آبرفت‌های حاصلخیز جنوب این کوهستان قرار دارد و علاوه بر آب و هوای معتدل و بیلابقی، خاک‌های حاصلخیز زراعی و شبکه آب‌های فراوان نظیر رودهای جاجرو، کرج، کن، کردان اوین، درکه و ساعی و صدها شاخه آبی بزرگ و کوچک دارد که محیط کاملاً مساعدی برای فعالیت‌های زراعی و دامپروری ایجاد کرده است (همان: ۵۰) گسترش مراکز یکجانشینی روستایی نظیر عباس‌آباد، بهجت‌آباد، امیرآباد، حسن‌آباد، یوسف‌آباد، مجیدیه، شمس‌آباد، ونک، چاله هرز مجموعه عظیمی را تشکیل داد که از سمت جنوب به شهر قدیمی ری و از سمت شمال به بیلاقات شمیرانات و از مشرق تا حوضه رودخانه جاجرو و از مغرب تا حوضه رودکن و جلگه شهریار محدود می‌شد. از طرف دیگر، موقع جغرافیایی آن طوری است که در چهار راه ارتباطی راه‌های جنوب و مشرق و شمال و مغرب مملکت واقع است و لازمه هر ارتباطی بین این نواحی عبور از تهران است و تقریباً در موقعیتی قرار دارد که بر تمام اوضاع و احوال سیاسی مملکت در تمام نقاط مسلط است (همان‌جا، ۱۳۸۰: ۵۰) تا قبل از دوره ناصرالدین شاه به توسعه شهر تهران چندین اهمیتی داده نشد و به جز چند بنا مثل مسجد شاه سابق (مسجد امم خمینی) در محدوده بازار و عمارت نگارستان، اقدام دیگری مشاهده نمی‌شود. در عهد ناصرالدین شاه، به امور شهری در ایران توجه بیشتری شد و این توجه بیشتر متوجه تهران بود. در این دوره، اولین نقشه جغرافیایی از شهر تهران تهیه شد که در این نقشه، تهران به محلاتی نظیر عودلاجان (آلجن)، بازار، چال میدان، خندق، سنگلج (امیریه) و پار شهر و بوذرجمهر فعلی و حومه) چند عمارت از بزرگان قوم و چند دروازه منحصر شده است. مسافرت‌های ناصرالدین شاه به خارج از کشور و آشنایی با ظواهر و فرهنگ و تمدن شهری در آنجا در ایجاد بافت‌های جدید و بناهای سبک فرنگی و گسترش شهر بی تأثیر نبوده است (همان‌جا) با این حال، هسته‌های اصلی شهر و مهم‌ترین مراکز داخلی شهرها را مساجد، بازار، ارگ و محلات مسکونی قدیمی تشکیل می‌دادند که مهم‌ترین مراکز مذهبی، سیاسی و اقتصادی شهرها به شمار می‌روند. علاوه بر تهران، شهرهای دیگری نظیر مشهد، اصفهان، شیراز، بوشهر، تبریز و باختران مورد بازسازی و توسعه قرار گرفتند و در همین مرحله بود که شهر سلطان‌آباد (اراک) بنا شد و علاوه بر شرایط نسبتاً خوب طبیعی حاکم بر منطقه، موقع استراتژیکی و عوامل اقتصادی در توسعه و تبدیل آن به شهر مؤثر بوده‌اند (همان: ۵۱)

از عوامل مؤثر بر ساختار کالبدی - فضایی شهر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. عوامل محیط طبیعی (شامل عوامل آب و هوایی، عوامل محیط طبیعی)؛ ۲. عوامل اقتصادی (شامل نقش اقتصادی شهر، درآمد خانوارها، بودجه‌های دولت در عمران شهری، قیمت زمین، مالکیت زمین، فعالیت‌های بخش خصوصی، بانک‌ها، قیمت مصالح ساختمانی، رونق اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی)؛ ۳. عوامل فرهنگی، اجتماعی (شامل افزایش جمعیت و مهاجرت، گروه‌های اجتماعی، سنت‌ها و علایق مردم، عوامل بهداشتی، عوامل حقوقی، اتفاقات ملی)؛ ۴. عوامل کالبدی (شامل راه‌ها، آیین‌نامه‌های تفکیک زمین، مقرارت ساختمانی، نحوه استفاده از زمین، مرکزیت شهری، فضاهای مسکونی، محدوده شهر)؛ ۵. عوامل مدیریتی و قانونی (شامل برنامه‌های دولت و سیاست‌های کشوری، قوانین کشوری، رقابت بین شهرها و کشورها، تشکیلات شهری و منطقه‌ای، انجمن‌ها و شورای شهری، مدیریت شهری، انجمن‌های تخصصی)؛ ۶. عوامل فنی (شامل وسایل حمل و نقل، تجهیزات زیربنایی، طرح‌های فنی ارائه شده و نحوه استفاده از فنون شهرسازی)

۵-۱- تهران دوره قاجار در سفرنامه‌ها: شهر تهران، آن گونه که از تاریخ‌های متعدد و سفرنامه‌ها دریافت می‌شود، تا قبل از تشکیل سلسله قاجاریه اهمیت و نیز ساختارهای شهری بزرگ را نداشت و بیشتر به صورت مجموعه‌ای دهات به پیوسته بود. اولین بار تهران در کتاب معجم البلدان ابو عبدالله یاقوت به سال ۸۰-۱۱۷۹ م، دیده می‌شود. شرح او حاکی از آن است که سکنه اصلی تهران غارنشین‌هایی بودند که، در وضع و حال نیمه وحشی، در زیرزمین‌ها می‌زیستند و با همسایگان خود در جنگ و ستیز بودند و نسبت به فرمانروایان خویش پیوسته سرکشی می‌کردند (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۹۹). شهر تهران بسیار وسیع بود و دیواری نداشت و محل دلبذیری به شمار می‌رفت. در آنجا همه چیز نیک فراهم بود، اما مکن مرض‌خیزی بود و بنا بر اهل محل، در آنجا تب شیوع داشت (همان). تهران شهر بزرگی ست. از کاشان وسیع‌تر است، اما جمعیت و همچنین خانه‌های زیاد ندارد. باغ‌های آن خیلی وسیع است و از همه قشم میوه در آنجا فراوان و آن قدر عالی است که به اطراف می‌برند. خان معمولاً در آنجا اقامت دارد؛ تمام کوچه‌ها جویبارهای سرشار دارد و از میان باغ‌ها جاری است و مایه حاصلخیزی. خیابان‌ها دارای خیابان لند دلپسند سایه‌داری است که همان چنار ایرانی است و بعضی از آنها تنه‌ای به قدری ضخیم دارند. (همان‌جا) تهران در میان اراضی هموار و ی جلگه‌ای وسیع قرار گرفته است؛ خانه‌ها را با خشت سفید، که در افتاب خشک و سخت کرده‌اند، ساخته‌اند. در این شهر بالغ بر ۳۰۰۰ خانه هست که خانه خان و بازار از همه جا زیباتر است... بازار دو قسمت می‌شود: قسمتی سرگشاده و قسمت دیگر سقف‌دار است. نه‌ری با دو شاخه از وسط شهر می‌گذرد و باغ و بوستان را مشروب می‌سازد و برای خیر و برکت آن باغبان را سپاس گزارند. (همان‌جا) تهران قلعه‌ای در یک فرسخی شهر ری است و سکنه آن دائماً مشغول جنگ هستند. در سال ۱۷۸۸ آقامحمدخان، مؤسس سلسله قاجاریه، تهران را پایتخت خود قرار داد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۶۳). اهمیت این شهر به اندازه تبریز و اصفهان نیست. در خارج شهر مانند دو شهر پیش دهکده‌ای دیده نمی‌شود. کلیه جمعیتش، که داخل چهار دیوار است، ۱۰۰۰۰۰ می‌باشد. در اولین وهله منظره‌اش جز دیواری طولانی از آجرهای زردرنگ، که از رویش چند گنبد مسجد و کلاه فرنگی‌های قصر شاه مشاهده می‌شود، چیز دیگری ندارد. (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۱۰) وقتی از سوی مغرب به آن نزدیک می‌شوی، بیشتر به بیشه‌ای می‌ماند تا به شهری؛ نه مناره‌ای بر فراز آن نشانه‌ای را پدید می‌آورد و نه برجی و نه گنبدی. درختان باغ‌های آن ساختمان‌های کوتاهش را در خود پنهان می‌کنند. (بل، ۱۳۶۳: ۱۷) پس از تماشای دشت‌های پر ریگ و خشک و بی حاصل، دیواری خاکستری، که از شیب تند خندقی بالا آمده بود و از ورای این دیوار، بام‌های بلند یک ویلای سلطنتی بعد از طاق‌ها و گنبد مسجد و درختان باریک و بلند تبریزی، که بدون کوچک‌ترین حرکتی از میان بخار رقیقی که بالای شهر را فرار گرفته بود، قد برافراشته بودند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۱۰) به همان کمی که ایرانی به نمای خارجی منزل توجه می‌کند، در پروای کار تأسیسات و عرض معابر است. کوچه‌ها تنگ، زاویه‌دار، بی‌نظم و بن‌بست است. چون کوچه‌ها برهم عمود نمی‌شود و یکدیگر را قطع نمی‌کند، ناگزیر باید آنها را دور زد. (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۳) خانه‌ها از نظر راحتی و زیبایی، از حد معمول پایین‌تر است، ولی در خارج شهر باغ‌های زیبایی وجود دارد و غالباً در داخل این باغ‌ها

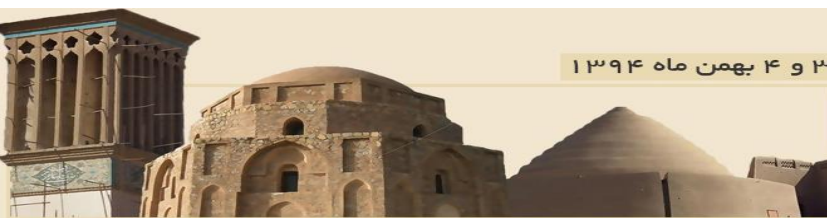
ساختمان‌ها مجللی دیده می‌شود. (کنت دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۴۸) بناهای تهران خشت و گلی است، دیوارها و بام‌ها را با کاه گل ضخیم می‌اندایند. اگر آجر به کار ببرند، بر اثر حدت آفتاب تابستانی از هم متلاشی می‌شود و وقتی باران‌های زمستانی شروع به ریزش کرد سقف‌ها و دیوارهای پوسیده غالباً فرو می‌ریزد. (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۴۲) تمامی تجملات خانه‌ها به قسمت داخلی آن اختصاص دارد. اگر کسی داخل یکی از آنها را ببیند، مثل اینکه تمامی خانه‌ها را دیده است. ساختمان در همه جا یک شکل ساخته می‌شود. قصر شاه به همان ترتیب تقسیم بندی شده که کلبه محقر یکی از پایین‌ترین طبقات تقسیم‌بندی شده است. فرق عمده در میان این دو فقط در بزرگی و کوچکی مساحت زیربنا و غنای اتاق‌ها و در تعداد حیاط‌ها و باغچه‌هایی است که از ضمایم آن خانه محسوب می‌شوند (همان: ۱۳۵) اگر از روی یکی از بام‌های بند به خط مستقیم به تهران بنگریم، تعداد زیادی بام‌های گنبدی به رنگ خاک، یک ردیف بام‌های مسطح با همان رنگ و دیوارهای کاهگلی بسیاری را می‌بینیم (سرنه، ۱۳۶۳: ۴۴) عرصه داخلی شهر تقسیم می‌شود به ارک که، دیواری بلند و چینه‌ای و خندقی احاطه شده است و چهار محله، که جدیدترین آنها در شمال شرق و در باغستانی بنا شده و پرآب‌ترین سالم‌ترین و مرتفع‌ترین محله‌ها نیز به شمار می‌رود و به محله شمیران موسوم است. محله جنوب ارگ پرجمعیت‌ترین ولی کم‌آب‌ترین محله‌هاست و کاروان‌سراها و بازار را در خود جای داده است و به آن محله شاه عبدالعظیم می‌گویند. محله غربی یعنی محله سنگلج بیشترین قصور را شامل می‌شود و در عوض محله جنوب شرقی یا چاله میدان فقیرترین و غیربهداشتی‌ترین محله‌هاست (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۳) دوسرسی، نویسنده فرانسوی که در زمان محمدشاه در ایران بود، درباره قصر قاجار می‌تویسد که در زمان سفر وی رو به ویرانی بوده است «این قصر، که بین شهر و کوهستان، در طرف شمال شهر قرار دارد، ساختمانی بیلاقی بود که قصر قاجار نام داشت. این قصر روی تپه‌ی کله‌قندی قرار گرفته و اطراف آن باغ‌های زیبایی است که در آن جویبارهایی متعدد جاری است. دروویل درباره کاخ عشرت آباد می‌نویسد: شاه قسمتی از فصل تابستان را در کاخ عشرتی، که در فاصله یک فرسخ و نیمی تهران بنا نهاده است، به سر می‌برد. این کاخ کم و بیش به سبک اروپایی ساخته شده است. این کاخ با باغ‌های وسیع و زیبایش، که به صورت آمفی تئاتر بنا شده است، جلوه خاصی دارد. (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۶۸) قصر صاحبقرانیه در بالای نیاوران در دامنه تپه‌هایی که از شمال بر این آبادی مشرف‌اند ساخته شده است (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۶۲) به گفته کرزن، در تهران فقط یک سفارت کبرا هست که کتعلق به سلطان عثمانی است ولی اروپا با شش سفارتخانه در تهران نمایندگی دارد: انگلستان، روسیه، فرانسه، آلمان، اتریش و ایتالیا. (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۴۲). در سطح تمام شهر تهران فقط یک نقطه است که شایستگی داشتن عنوان میدان را دارد و آن درست در مقابل در اصلی قصر شاه واقع است. این میدان به شکل متوازی‌الاضلاع طرح ریزی شده و طول و عرض آن در حد میدان کاروزل پاریس است. حصارها و خندق‌های ارگ سلطنتی یک طرف آن را به کلی گرفته است و سه طرف دیگر آن با یک ردیف دیوار کوتاه گلی، که خطوط مارپیچی سفیدرنگ روی خود دارند، احاطه شده است. در کنار میدان، حجره‌های متعدد برای استراحت آدم‌های درون خانه شاه دیده می‌شود. چند اصله درخت کوچک و چمنی سبز تنها زینتی است که این میدان شاهانه حایز آن است. (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷) میدان توپخانه میدان عمومی و عمده شهر تهران است. در هر طرف میدان ابنیه دو طبقه و رنگ شده امتداد یافته و متعلق به سربازخانه‌های نظامی است. سطح میدان ناهموار است که با سنگ‌های مختلف سنگ‌فرش شده و هیچ‌وقت تعمیر و مرمت نمی‌شود و در هر قدم پای انسان یا در چاله فرو می‌رود و یا به سنگ برمی‌خورد. در وسط میدان یک باغچه با یک حوض مربعی ساخته شده است (وولفسن، ۱۳۰۹: ۱۳۰). در طرف راست میدان جلوی باغچه دو ردیف توی‌های مختلف‌الجثه برنز قدیمی قرار داده‌اند. بعضی از ادارات و مؤسسات دولتی هم در همین میدان واقع شده‌اند. (همان: ۱۳۱). تهران فاقد بناهای عظیم مذهبی مسجد یا مدرسه است مسجد سپهسالار که چهارمناره بلند و درخشان آن همه از کاشی‌های شفاف و سرستون‌های

آراسته از دور در نظر من مثل مناره‌های ارگ در میان درختان می‌نمود. بانی این بنا که هم مسجد و مدرسه است میرزا حسین خان است (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۳۵) گنبد مسجد موجود در تهران با کاشی‌های خوش‌رنگ پوشانده شده است، با تابش آفتاب صدها رنگ زیبا بازتاب می‌دهند و در ذهن هر بیننده تصویری از برج‌های چینی را مسجّم می‌کنند. مناره‌های این مسجدها هم‌دیدنی و نمونه‌ای از ظرافت و زیبایی است. شکل این مناره‌ها شباهتی به مناره‌های ترکیه ندارد و بیشتر به طاق‌نصرت رومیان، که در گالری‌های خود برپا می‌کردند، شبیه است (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۲۰) مسجدهای جدید چون مناره ندارند، از بیرون با خانه‌های معمولی هیچ فرقی ندارند. (همان: ۲۲۱) بنای مدارس از یک حیاط بزرگ مربع تشکیل شده و در چهار طرف آن حجرات کوچک متعددی جهت شاگردان و معلمین بنا شده است. یکی دو حجره برای درس ساخته‌اند. یک قسمت این بنا هم به مسجد اختصاص دارد و محل عبادت سایرین است (همان: ۱۰۳) بازارها با سقف طاقی پوشیده‌اند و در سیه روشنی فرو رفته‌اند که پرتو خورشید آن را با سایه روشن تابلوهای رامبرانت (Rembrandt) همانند می‌کند. درازی آنها به کیلومترها می‌رسد. در دو کناره آنها دکه‌های کوچکی ردیف شده‌اند که بعضی از آنها دکه هم نیستند، بلکه طبق‌های ساده‌ای هستند. (سکویل، ۱۳۷۵: ۱۱۶) وسیع‌ترین دالان‌های کاروان‌سرا بازاری است که در آنجا اجناس را می‌بافند (همان: ۳۳) همچنین کاروان‌سراها دارای بالکن‌ها، گالری‌ها، نرده‌ها و پله‌های آهنی‌اند و حیاط آنها بزرگ است. بازارای تهران سراسر دارای گنبد آجری است و غالباً هم به حیاط و میدانی راه دارد و دارای کاروان‌سراهای وسیع و خوش‌بناست. (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ۴۳۶)

۶- نتیجه‌گیری: توسعه کمی و کیفی شهری ایران قدرت محور است به عبارتی، تابعی از حکومت، شاه یا دربار حکومتی است. هنگامی که شاه و تخت و دربار او در مکانی فرود می‌آید در پی او استعداد‌های مادی و معنوی سرازیر شده و سیل جمعیت و ثروت به سمت تخت و نزدیکی و پایتخت او هجوم می‌آورد. در جامعه ایرانی، جایی که قدرت باشد ثروت نیز جذب آن می‌شود. همچنین توسعه و رونق شهر با تعداد شاهان حکومت‌کننده و نیز تعداد سال‌های پایتخت بودن ارتباط معنی‌داری دارد. به این معنی که هر چه تعداد شاهان حکومت‌کننده در یک شهر بیشتر باشد، لاجرم برنامه‌ها و هزینه‌های مکرری برای ساخت و رشد شهر صورت می‌گیرد. معماران ایرانی بر اروپاییان عیب می‌گیرند که مخارج گزافی در بیرون عمارت کرده و تزیینات خارجی را بر اسباب استراحت و نشیمن داخلی ترجیح می‌دهند، و بیست بار بیشتر از ایرانیان در عمارتی خرج می‌کنند اما در ایران به داخل منازل بیشتر اهمیت داده می‌شود که هم نشان از فرهنگ درونگرایی ایرانی است و اشاره‌ای است به پنهان‌کاری.

نمای کلی شهر ایران سه منظره در امتداد هم قابل تشخیص دارد: یکی منظره بافاصله و دور که سیمای شهری در آن زیبا و باجلوه و جلال است، دوم منظره متوسط و میانی است که هنگام ورود به شهر و نگاه به کالبد بیرونی معابر و منازل آن، جلوه اولیه رنگ می‌بازد و بی‌سلیقه‌گی و عریانی و درهم‌ریختگی رخ می‌نماید. در نمای نزدیک دوباره شاهد زیبایی و توجه در ساخت و تزیینات داخلی بنا وجود دارد. دوگانگی موجود در بناهای عمومی و حکومتی با بناهای خصوصی و عمومی است. در معماری نوع اول هم‌سلیقه و هم‌بهترین مصالح به کار رفته است، در حالی که بناهای سایر افراد در سطح نازل‌تری قرار دارند. نوع دیگر دوگانگی هم‌زیستی توانمندی آبادانی و ویرانی در کنار بناهای مجلل و محقر است. دلیل آن هم مربوط به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران است. وجود خانه‌های نو و کهنه کنار هم به این دلیل است که ایرانیان تا ثروتی به دست می‌آورند، خانه‌ای برای خود می‌سازند و ایرانیان سکونت در خانه پدرشان را اگر می‌دانند و بدشگون و ساخت خانه جدید را بر تعمیر خانه‌های پیشین ترجیح می‌دهند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۴۰۱) در تفاوت ساختمان‌های علمه مردم و اعیان و حکومت باید گفت که ارتفاع دیوار خانه‌های اعیان و اشراف حتی از دیوار صومعه دختران تارک دینا درمی‌گذرد و با توجه به دیوارهای مرتفع کاخ‌ها و قصرها، می‌توان آنها را از دیگر ساختمان‌های





بازشناخت(شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۷۳) میدان بزرگ در شهر پیوسته به کاخ و دارالحکومه در آن قرار دارد تا علاوه بر کاردهای چون مشق نظامی و یا برگزاری جشن‌ها، به منظور نظارت شاه در آن است. بازارها به تعدادی کوچک یا راه‌های باریک دارای پوشش گنبدی شباهتی تام دارد، طول آن در شهرهای بزرگ به چندین میل می‌رسد. بعضی از آنها پهن و مستقیم است، اما بیشتر آنها باریک و پیچ در پیچ‌اند و هم از لحاظ بنا و مصالح و هم نوع ساخت بسیار محکم‌اند و تراکم جمعیت بسیاری دارد که عبور و مرور را مشکل می‌سازد. جزء جدانشدنی بازار کاروان‌سراست که هم جای انبار کالا و هم محل استراحت و سکونت تجار بیگانه استیک حیاط بزرگدر وسط و تعدادی اتاق در اطراف دارند. رونق بیشتر در بازار باعث ساخت کاروان‌سراها و مدارس بیشتری می‌شود. در معماری شهرهای ایران در این دوره نقطه آغازین شهر دروازه ورودی قرار داشته و در هر ساختار شهر میدان، مسجد، بقاع امامزاده‌ها و مدرسه و کاروان‌سراها و بازار وجود داشته و هر شهر از این چارچوب خاص پیروی می‌کرد.

### منابع

- ۱- اشرف، احمد، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، ۱۳۵۳.
- ۲- اورسل، ارنست، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، کتاب فروشی زوار، ۱۳۸۲.
- ۳- اولیویه. ۱. سفرنامه اولیویه، ترجمه محمدطاهر میرزا، تحقیق و تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱.
- ۴- براون، ادوارد گرانویل، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، اختران، ۱۳۸۴.
- ۵- بروگش، هینریش، در سرزمین آفتاب، دومین سفرنامه بروگش، ترجمه مجید جلیوند، تهران، مرکز، ۱۳۷۴.
- ۶- بل، گرترو، تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
- ۷- بن تان، اگوست، سفرنامه بن تان، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۴.
- ۸- بهلر، الکساندر، سفرنامه بهلر، به کوشش علی اکبر خداپرست، تهران، توس، ۲۵۳۶.
- ۹- بی‌نا، گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ ق. از یک سیاح روس، ترجمه سید عبدالله، به اهتمام محمدرضا نصیری، تهران، طهموری، ۱۳۶۳.
- ۱۰- پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
- ۱۱- تانکوانی، ژ. ام، سفرنامه تانکوانی، ترجمه سعیدی، ع. ا.، تهران، چشمه، ۱۳۸۳.
- ۱۲- تورنتن، لین، تصاویری از ایران، ترجمه مینا نوایی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۱۳- حبیبی، سید محسن، از شار تا شهر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۴- خیرآبادی، مسعود، شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد، نیکا، ۱۳۷۶.
- ۱۵- دالمانی، هانری، رنه د، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- ۱۶- دروویل، گاسپار، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران، شبانویز، ۱۳۷۰.
- ۱۷- روششوار، ژولین دو، خاطرات سفر ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- ۱۸- سرنا، کارلا، مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلامرضا سهیلی، تهران، نو، ۱۳۶۳.
- ۱۹- سکویل - وست، ویتا، مسافر تهران، ترجمه مهران توکلی، تهران، فرزانه، ۱۳۷۵.
- ۲۰- سلطانزاده، حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۲.
- ۲۱- سولتیکف، الکسیس، مسافرت به ایران، ترجمه محسن صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
- ۲۲- شاردن، ژان، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲.

- ۲۳- شاه حسینی، پروانه، رهنمایی، محمدتقی، شهرشناسی تطبیقی ایران با تأکید بر استان‌های مازندران و هرمزگان، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
- ۲۴- شفقی، سیروس، بازار بزرگ اصفهان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۴.
- ۲۵- شیعه، اسماعیل، اصفهان در دوران افشار و زند، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۷۸.
- ۲۶- شیل، لیدی، خاطرات لیدی شیل در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، تهران، نو، ۱۳۶۲.
- ۲۷- فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶.
- ۲۸- فوریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، علم، ۱۳۸۵.
- ۲۹- کرزن، جورج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ۲ جلد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۳۰- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۰.
- ۳۱- کنت دوسرسی، ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م، ترجمه احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۳۲- کورف، فیودور، سفرنامه بارون فیودور کورف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، فکر روز، ۱۳۷۲.
- ۳۳- گروته، هوگو، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلوند، تهران، مرکز، ۱۳۶۹.
- ۳۴- گوینو، دو گوینو، کنت، سه سال در ایران، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، نشریه بیست و یکم، روزنامه کوشش، بی تا.
- ۳۵- مستوفی الممالکی، رضا، شهر و شهرنشینی در بستر جغرافیای ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۳۶- ملک، سرجان، روزنامه سفر هیئت سرجان ملک به دربار ایران در سال‌های ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، به قلم ویلیام هالینگبری، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۶۳.
- ۳۷- موریه، جیمز، سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۵۶.
- ۳۸- نظریان، اصغر، جغرافیای شهر ایران، تهران، پیام‌نور، ۱۳۸۸.
- ۳۹- ویلز، چارلز جیمز، سفرنامه دکتر ویلز، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال، ۱۳۶۸.